
مدکی وسیع تر از تمام جهان

انتشارات سولار

تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: پِسوآ، فرناندو، ۱۸۸۸ - ۱۹۳۵م. Pessoa, Fernando

عنوان و نام پدیدآور: اندکی وسیع تر از تمام جهان/ فرناندو پِسوآ؛

ترجمه‌ی محمدصادق رئیسی.

مشخصات نشر: تهران: سولار، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.

فروست: انتشارات سولار، شماره نشر ۱۱۴. شعر جهان؛ ۱۴.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۱۸-۰۰۰۰-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی نشده

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "A little larger than the

entire universe selected poems" به فارسی برگردانده شده است.

موضوع: شعر پرتغالی - قرن ۲۰م

موضوع: Portuguese poetry-- قرن ۲۰م

رده‌بندی کنگره: PQ ۹۲۶۱ ۸۲۵پ/

رده‌بندی دیویی: ۱۴۱/۸۶۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۲۶۶۸۴



انتشارات سولار

انتشارات سولار

شعر جهان ۱۴، شماره نشر ۱۱۴

اندکی وسیع تر از تمام جهان

فرناندو پسوآ

ترجمه: محمدصادق رئیسی

مدیر: رایب فاطمه اقبالی

مدیر فنی: پاپا فنگ حسن زاده

مدیر هنری: پژمان گارر

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ: هورنو ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۴-۷۷۱۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

همه حقوق مادی و معنوی این اثر در اختیار نشر سولار بوده و نقل و چاپ تمام یا بخشی از آن منوط به اجازه رسمی و کتبی از ناشر می باشد و استفاده غیرقانونی از آن پیگرد قانونی دارد.

آدرس: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد ۱۱. تلفن: ۷۷۵۵۸۴۳۸ - ۸۸۳۴۶۶۳۶ - ۰۹۱۲۷۲۰۳۷۵۶

soolarpub@gmail.com

فهرست

۱۲	پیشگفتار مترجم
۱۷	من خسته‌ام
۱۹	نمی‌دانم چند روح دارم
۲۱	سرمای بدی خوردم
۲۳	می‌دانم تنهایم
۲۴	پیر از مرگ‌ام
۲۶	شبه غروری است
۲۷	نامه‌ها
۲۹	بار
۳۰	عاشق می‌زی‌مستم
۳۱	تو تنهایی
۳۲	همه آنچه از خدایان می‌خوایم
۳۳	قاصد
۳۵	از مجموعه «سونات»ها
۳۹	چوپان
۴۱	گلپیان
۴۷	من
۴۹	کنار پنجره
۵۰	غروب
۵۱	هر آنچه در این جهان است
۵۳	مرگ
۵۴	خواب
۵۶	انکار
۵۷	اندیشیدن
۵۹	از روستای من
۶۱	دلواپس قافیه نیستم
۶۲	زیبایی سراسر یک رؤیاست
۶۴	آدم‌هایی هستند
۶۵	روزی خاکستری

- نگاهام صاف است..... ۶۶
- اگر زندگی‌ام تنها گاری گارکشی می‌بود..... ۶۸
- اگر از من بپرسید..... ۷۰
- نور مهتاب..... ۷۱
- ماه بر فراز آسمان..... ۷۲
- دور دست تاگوس..... ۷۴
- تا خای آبی..... ۷۵
- از آب ترانه نمی‌سازم..... ۷۶
- سلی می‌خواه - که تویی..... ۷۷
- لیدیا، چه ممکن..... ۷۸
- فریبام..... ۷۹
- الهی همزاد..... ۸۰
- هیچکس عاشق نی..... ۸۱
- هر آغازی اختیاری نیست..... ۸۲
- عاشق رویاهای خودم هستم..... ۸۳
- معبدم را بنا نهادم..... ۸۴
- من یک همراهام..... ۸۵
- بهار که می‌شود..... ۸۷
- شتابی ندارم..... ۸۹
- لذت..... ۹۱
- من حیران‌ام..... ۹۲
- چیزی بیشتر از سنگ..... ۹۴
- لیسبون..... ۹۷
- نقاب..... ۹۹
- شاد یا ملول..... ۱۰۰
- خودروانشناختی..... ۱۰۱
- فراری..... ۱۰۲
- آنچه می‌نویسم..... ۱۰۴
- میان خواب و رویا..... ۱۰۵
- سنهور سیلولا..... ۱۰۷

۱۰۹.....	به گاه مردن.....
۱۱۱.....	به جز ملال.....
۱۱۲.....	مه.....
۱۱۴.....	در اکنون زندگی کن.....
۱۱۶.....	نخستین نشانه توفان.....
۱۱۸.....	نسیم خنک.....
۱۲۰.....	سم و د مريم عذرا.....
۱۲۲.....	می اگر می گویم.....
۱۲۳.....	شاهزانی هستند.....
۱۲۵.....	ردیف درختان.....
۱۲۶.....	پنجره ر می بندد.....
۱۲۸.....	رایحه خوش.....
۱۲۹.....	هراس تقدیر.....
۱۳۱.....	تو همانی.....
۱۳۲.....	چه کوتاه است.....
۱۳۴.....	درختان زنده.....
۱۳۵.....	آرام گیر.....
۱۳۶.....	سال دروغین.....
۱۳۷.....	پیانویی در خیابان.....
۱۳۸.....	چیزی نگو.....
۱۴۰.....	قیود.....
۱۴۱.....	گره ای در خیابان.....
۱۴۲.....	نمی دانم کیستم.....

پیشگامان ترجم

فرناندو پسوا در سزدهم روتن ۱۸۸۸ در لیسبون پرتغال به دنیا آمد. پدرش، منتقد موسیقی و مادرش زنی دانش‌آموخته اهل «آزورن» بود. پسوا پس از مرگ پدر، ده سال را به دلیل ازدواج مجدد مادرش، در «دوریان» آفریقای جنوبی گذراند. در این زمان، زبان انگلیسی را فرا گرفت و با اندیشه روشنفکری آشنا شد. در سال ۱۹۰۶ به لیسبون بازگشت و بر آن شد در رشته ادبیات به تدریس و تالیف بپردازد، ولی پس از یک سال فکر آن را از سر بیرون کرد. در سال ۱۹۰۷ چاپخانه‌ای به راه انداخت ولی پس از چند ماه ورشکست شد. روی در سال ۱۹۰۸ نمایندگی شرکت‌های تجاری را پذیرفت و تا پایان جنگ جهانی همین پیشه را ادامه داد. «کتاب دلواپسی» که بیش از بیست سال زمان صرف نوشتن آن کرد، گواهی بر اندوه هستی‌گرایانه اوست. این کتاب به امری چون پیدایش انسان، مفهوم زندگی و اسرار من خویش می‌پردازد. پس از پیدا کردن دوباره دست‌نوشته‌های پسوا در سال ۱۹۸۲، جهانیان بی‌درنگ به شایستگی‌های ستودنی وی پی بردند و دریافتند که او همزمان بزرگترین

نویسنده قرن پرتغال، نخستین پایه‌گذار نوگرایی در کشورش و نخستین بانی پسانوگرایی در جهان بوده است. فرناندو پسوا به شدت تحت تأثیر ژرف‌اندیشی و جهان‌نگری «خیام» بوده و هر جا که فرصتی یافته، لب به ستایش وی گشوده است. «کتاب دلواپسی» نیز به گونه‌ای با اندیشه خیام گره خورده است. پسوا را در شعر با ریلکه و در نثر با شکسپیر مقایسه کرده‌اند. کتاب دیگر پسوا «فاوست» می‌باشد که شامل سروده‌های فل می - نمایشی است.

فرناندو پسوا را در انواعی اختلال چندشخصیتی بود که چندین شخصیت به کلی دیگر بود. او در آثار خود شخصیت می‌بخشد و همزادهایی برای خود بر می‌گزیند، برای آنها مدرک تحصیلی، پیشه و حتی سلیقه و فرم و مفهومی در نظر می‌گفت، همزادهای پسوا - سرایندگانی خیالی بودند که چکامه‌های را «تین» می‌نوشتند - این اشخاص: «آلبرتو کانیرو»، دوستدار طبیعت، یکتاپرست و هم‌انگیز، تجلی سراینده بی‌گناهی که سروده‌هایش بی‌زرق و برق بودند و فرم آزاد داشتند و از زمانی تصویرش در پسوای بیست و شش ساله باقی ماند که تلاش کرده بود درباره طبیعت و گوسفندها بسراید. پسوا او را «استاد» و حد میانه خود و «ریکاردو ریش» می‌دانست. او آن کسی بود که پسوا را «شخصی» می‌خواست بشود و نشده بود؛ سراینده‌ای نوین و همساز با طبیعت «ریکا» و «ریش»، پزشکی که نه ماه بزرگ‌تر از پسوا بود، ریچارد کانیرو در «سراینده شک‌گرا» به صورت اصول اخلاقی اپیکوری درآمد. سروده‌های او موزون، ولی بی‌قافیه بود و شبح آن زمانی پدید آمد که پسوا ۲۴ ساله بود و تلاش داشت سروده کفرآمیز بنویسد. چکامه‌های این سراینده فانی، که به سبک نئوکلاسیک‌ها نزدیک بود، از تنوع چندانی برخوردار نبودند و گاهی، بیانی سرگناک و آرام داشتند و به همین گونه نیز به کفر نزدیک

می شدند و از طبیعت و سرخوشی دوری می گزیدند. البته پسوآ نام های دیگری هم داشت. بجز این، هر کدام از شخصیت های سه گانه بالا، «من» های دیگری هم داشتند. پسوآ در جایی نوشت: «من به همه اینها گوشت و خون دادم، توانمندی هایشان را سنجیدم، دوستی هایشان را شناختم، گفتگوهایشان را شنیدم... به نظرم رسید که در بین آنها، نرینندشان، کمترین چیز است... انگار همه اینها جدا از من رخ داده بد و همچنان نیز رخ خواهد داد...» و پیش از آن نوشته بود: «ذهنم به چنان در تمام از نرمش رسیده است که می توانم در هر حالت روحی ای که آر و می آیم، قرار گیرم و در هر وضعیت دلخواه ذهن وارد شوم.» در این مجسمه تالان شد برگزیده ای از تمام موارد یاد شده پیرامون پسوآ ترجمه و در اینجا آورده شوند.